

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دولت‌های مسلمان

دولت ممالیک

و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام

(۶۴۸-۹۲۳/۱۲۵۰-۱۵۱۷)

عصام محمد شبارو

مترجم: دکتر شهلا بختیاری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۴

شبارو، عصام محمد

دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام (۶۴۸-۹۲۳ / ۱۲۵۰-۱۵۱۷) /
تألیف: عصام محمد شبارو؛ ترجمه: شهلا بختیاری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
۲۵۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۱: تاریخ اسلام؛ ۸)

ISBN : 978-964-7788-76-2

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست نویسی پیش از انتشار).

کتابنامه: ص. ۱۸۹ - ۱۹۳؛ همچنین به صورت زیر نویس

ج. ۲: ۱۳۸۶. ج. ۳: ۱۳۸۸. ج. ۴: ۱۳۹۱. ج. ۵: زمستان ۱۳۹۴، بها: ۹۴۰۰۰ ریال

۱. ممالیک. ۲. کشورهای اسلامی - تاریخ - ۶۵۶ - ۹۲۴ ق. ۳. کشورهای عربی - شاهان و

فرمانروایان - سرگذشت نامه. الف. بختیاری، شهلا، ۱۳۴۶ - مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه. ج. عنوان.

۹۶۲ / ۰۲

DT ۹۶ / ش ۲ د ۹

۱۰۹۵۷۹۵

شماره کتابشناسی ملی



دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام

تألیف: عصام محمد شبارو

مترجم: دکتر شهلا بختیاری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (شماره انتشار؛ ۴۱. تاریخ اسلام؛ ۸)

چاپ پنجم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ چهارم: بهار ۱۳۹۱)

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ و صحافی: قم - جعفری

قیمت: ۹۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۳۰۰) شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص. پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ □ تهران: خیابان انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی آسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن ۰۲۱۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu: فروش اینترنتی

فهرست مطالب

۹ سخن پژوهشگاه
۱۱ پیشگفتار
۱۳ سخن مترجم
۱۵ مقدمه مؤلف

فصل یکم

دولت نخست مماليك و بیرون راندن صلیبیان

۱۷ ۱- نژاد مماليك
۱۹ ۲- شجر الدر (۱۰ صفر - ربیع الثانی ۶۴۸ / مه - ژوئن ۱۲۵۰)
۲۰ ۳- معز آیبك (۶۴۸ - ۶۵۵ / ۱۲۵۰ - ۱۲۵۷)
۲۰ جنگهای عزالدین آیبك ترکمانی
۲۴ ۴- مظفر قطز (۶۵۵ - ۶۵۷ / ۱۲۶۰ - ۱۲۶۰)
۲۶ ۵- ظاهر بیبرس (۶۵۸ - ۶۷۶ / ۱۲۶۰ - ۱۲۷۷)
۳۵ ۶- منصور قلاوون (۶۷۸ - ۶۸۹ / ۱۲۷۹ - ۱۲۹۰)
۳۹ ۷- اشرف خلیل پسر قلاوون و بیرون راندن صلیبیان (۶۹۰ / ۱۲۹۱)

فصل دوم

جنگ با مغول و سقوط بغداد، حلب و دمشق

۴۳ ۱- نژاد مغول
۴۵ ۲- چنگیز خان مؤسس امپراتوری (۶۰۳ - ۶۲۴ / ۱۲۰۶ - ۱۲۲۷)
۵۴ ۳- اکتای و شکست حکومت خوارزمشاهیان (۶۲۷ - ۶۳۹ / ۱۲۲۹ - ۱۲۴۱)
۵۵ ۴- هجوم مغول به اطراف بغداد (۶۳۹ - ۶۴۲ / ۱۲۴۱ - ۱۲۴۴)
۵۶ ۵- گیوک خان (۶۴۳ - ۶۴۷ / ۱۲۴۵ - ۱۲۴۹)
۵۷ ۶- هولاکو و مشرق اسلامی (۶۵۲ - ۶۵۴ / ۱۲۵۴ - ۱۲۶۰)

فصل سوم

پیروزی بر افسانه مغول

- ۱- سیاست زور و ترس (اسطوره مغول) ۷۱
- ۲- شکست مغولان در عین جالوت (۲۶ رمضان ۳/۶۵۸ سپتامبر ۱۲۶۰) ۷۶
- ۳- برپایی خلافت عباسی در قاهره (رجب ۶۵۹/ژوئن ۱۲۶۱) ۸۱
- ۴- درگیری میان هولاکو و برکه خان (۶۶۲-۶۶۴/۱۲۶۳-۱۲۶۵) ۸۴
- ۵- اباقا پسر هولاکو (۶۶۴-۶۸۰/۱۲۶۵-۱۲۸۲) ۸۴
- ۶- احمد تکودار (۶۸۰-۶۸۲/۱۲۸۲-۱۲۸۴) ۸۶
- ۷- ارغون پسر اباقا (۶۸۲-۶۹۵/۱۲۸۴-۱۲۹۵) ۸۷
- ۸- غازان و بازگشت مغول (۶۹۵-۷۰۳/۱۲۹۵-۱۳۰۳) ۸۷
- ۹- مغول میان بت پرستی، مسیحیت و اسلام ۸۸

فصل چهارم

خیال خطر صلیبیان

- ۱- مجمع وین (۱۳۱۱/۷۱۱) ۹۳
- ۲- چپاول‌های ناوگان جنوای ایتالیا (۱۳۳۳/۷۳۴) ۹۴
- ۳- حمله پادشاه قبرس به اسکندریه (۱۳۶۵/۷۶۷) ۹۴
- ۴- شکست ناوگان جنوا در اشغال بیروت (۱۳۸۲/۷۸۴) ۹۵

فصل پنجم

پیدایی دولت دوم ممالیک و رویارویی آنان با خطر تیمور لنگ

- ۱- تأسیس دولت دوم ممالیک (۱۳۸۲/۷۸۴) ۹۷
- ۲- سلطان ظاهر برقوق در البیره با تیمور لنگ روبرو می‌شود ۹۹
- ۳- سلطان ناصر فرج و پیروزی بر انقلاب امیران شام ۱۰۰
- ۴- نابودی بغداد و سرزمین شام بدست تیمور لنگ ۱۰۱
- ۵- پایان خطر مغولان با مرگ تیمور لنگ (۱۴۰۵/۸۰۸) ۱۰۳

فصل ششم

ممالیک و آزادی قبرس و جنگ رودس

- ۱ - حمله بوسیکو به ساحل مصر و شام (۱۴۰۳/۸۰۶) ۱۰۵
- ۲ - درگیری میان امیران ممالیک (۸۰۸ - ۱۴۰۵/۸۲۵ - ۱۴۲۲) ۱۰۶
- ۳ - اشرف برسیای و آزاد سازی قبرس (۸۲۷ - ۱۴۲۴/۸۲۹ - ۱۴۲۶) ۱۰۷
- ۴ - سلطان جقمق و جنگ رودس (۸۴۳ - ۱۴۴۰/۸۴۷ - ۱۴۴۴) ۱۰۸

فصل هفتم

سلطان محمد دوم عثمانی و فتح قسطنطنیه

- ۱ - تأسیس دولت عثمانی (۶۸۷ - ۱۲۸۸/۷۲۶ - ۱۳۲۶) ۱۱۰
- ۲ - توسعه در آسیای صغیر و جنوب شرق اروپا ۱۱۰
- ۳ - سلطان محمد دوم و فتح قسطنطنیه (۸۵۷ / ۲۹مه ۱۴۵۳) ۱۱۲

فصل هشتم

نبرد عثمانی - مملوکی

- ۱ - جنگ عثمانی - مملوکی (۸۹۱ - ۱۴۸۶/۸۹۷ - ۱۴۹۱) ۱۱۵
- ۲ - جنگ عثمانی - صفوی (۹۱۴ - ۱۵۰۸/۹۲۰ - ۱۵۱۴) ۱۱۶
- ۳ - نبرد دوم عثمانی - مملوکی (۹۲۲ - ۱۵۱۶/۹۲۳ - ۱۵۱۷) ۱۱۸
- ۴ - کشته شدن طومان بای و سقوط دولت دوم ممالیک ۱۲۴
- ۵ - بازگشت سلطان سلیم به استانبول (۱۵۱۸/۹۲۴) ۱۲۵

فصل نهم

دورنمایی از تشکیلات تمدنی دوران ممالیک

- ۱ - نظام سیاسی و اداری ۱۲۸
- ۲ - نظام لشگری ۱۳۳
- ۳ - دگرگونی نظام قضایی بر حسب مذاهب چهارگانه اهل سنت ۱۴۷
- ۴ - نظام اقتصادی و تجاری ۱۵۳
- ۵ - شکوفایی قاهره به عنوان پایتخت خلافت و سلطنت ۱۶۱
- فرجامین سخن ۱۶۳

۸ دولت ممالیک

پیوستها

۱۷۵	پیوست شماره ۱
۱۷۷	پیوست شماره ۲
۱۷۸	پیوست شماره ۳
۱۸۱	پیوست شماره ۴
۱۸۲	پیوست شماره ۵

منابع و مأخذ

۱۸۹	منابع عربی
۱۹۲	منابع فارسی
۱۹۳	منابع لاتین

خلافت عباسیان در مصر

۱۹۵	مقدمه
۱۹۶	تأسیس خلافت عباسیان در مصر
۱۹۹	تثبیت خلافت با اثبات درستی نسب
۲۰۱	دلایل ادامه خلافت
۲۰۴	نفوذ سیاسی خلفای مصر
۲۰۵	۱- اختیارات و عملکردها
۲۰۷	۲- جغرافیای نفوذ
۲۰۸	تلاش برای دستیابی به قدرت سیاسی
۲۱۱	درگیری داخل خاندانی بر سر خلافت
۲۱۳	ساختار اداری خلافت
۲۲۰	مسأله جانشینی و ولایتعهدی
۲۲۴	روابط سلاطین مملوکی با خلفای عباسی قاهره
۲۲۶	روابط خارجی دستگاه خلافت
۲۲۹	پایان خلافت عباسی مصر
۲۳۰	منابع
۲۳۳	نمایه‌ها

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهشها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسایل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تألیف شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی دیگر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مترجم گرامی جناب آقای حجت‌الله جودکی و تلاش حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان در تهیه طرح دولت‌های مسلمان و زمینه‌سازی ترجمه این اثر تشکر و قدردانی کند.

پیشگفتار

دو نیاز، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه را بر آن داشت تا طرحی را در زمینه ارائه کتابهایی در باره تاریخ دولتهای مسلمان عرضه کند. نخست آن که در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد، در رشته‌های تاریخ و تمدن اسلامی، عناوین چندی در ارتباط با شناخت تاریخ دولتهای مسلمان وجود دارد که برای بیشتر آنها کتاب خاصی در نظر گرفته نشده است. بنابراین، ارائه کتابهای مناسب برای پر کردن این خلاء، کاری ضروری و لازم به نظر می‌آید. نیاز دوم آن که امروزه با وجود دولت جمهوری اسلامی ایران، شناخت تجربه دولتهای بزرگ اسلامی در درازای تاریخ اسلام، بسیار سودمند و لازم است. دولت اسلامی ایران که در امتداد دولتهای بزرگ اسلامی قرار دارد و منادی احیای تمدن بزرگ اسلامی است، می‌بایست به تجربه‌های گذشته تکیه کرده و از آنها بهره‌ور شود. به همین دلیل، لازم بود تا فهرستی از این دولتها تهیه شده و برای هر کدام کتاب مناسبی تألیف یا ترجمه شود.

انتخاب دولتها بر اساس دامنه نفوذ آنها در بعد زمانی و مکانی است. برخی از این دولتها در شرق و برخی در غرب اسلامی، برای سالها قدرت سیاسی بزرگی را در اختیار داشته و در صحنه فرهنگ و تمدن اسلامی و همینطور در جغرافیای سیاسی جهان اسلام نقش مهمی را ایفا کرده‌اند.

معیار دوم در انتخاب ما، اهمیت عناوین یاد شده در ارتباط با عناوین درسی کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده است. به طوری که برای بیشتر دولتهای انتخاب شده، به نوعی عنوانی در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد موجود است.

گروه تاریخ

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

سخن مترجم

جهان اسلام در سده هفتم هجری شاهد تأسیس حکومتی بر ویرانه‌های دولت ایوبی در مصر بود که نزدیک به سه سده دوام آورد. ممالیک، که از بردگان ترک و چرکس آسیای مرکزی و دشت قبیچاق بودند، در دوران حکومت خود دو افتخار به دست آوردند که سبب شهرت همیشگی آنان شد. آنان در روزگار فروپاشی دستگاه خلافت عباسی، در مقابل دو خطر خارجی که از شرق و غرب، جهان اسلام را تهدید می‌کرد. ایستادند. نبرد عین جالوت که با پیروزی بر سپاهیان مغول همراه بود، راه مغولان به سوی نواحی غربی دنیای خلافت اسلامی را سد کرد. نخستین افتخار ممالیک به حساب می‌آید.

افتخار دیگر در برابر اروپاییان صلیبی به دست آمد؛ آنگاه اروپاییان در سرزمینهای اسلامی با نام صلیب و کلیسا، اهداف توسعه طلبانه خود را دنبال می‌کردند، ممالیک آنان را برای همیشه از این سرزمین‌ها بیرون راندند. پس از آن، بازار اقتصاد و تجارت مصر در دوران ممالیک رونق یافت و این سبب شد تا بسیاری از مسیحیان به جای جنگ با آنان در صدد برآیند که از امتیازات تجاری و سود بسیار تجارت با مصر بهره‌مند شوند. ارتباط تجاری اروپاییان با مصر در این دوران به قدری گسترش یافت که کلیسای مسیحی را به عکس العمل واداشت و پاپ ناگزیر برخی از کالاهای مسلمانان را تحریم کرد.

متأسفانه دولت ممالیک با نام آوریهای که در برابر دشمنان خارجی کسب کرد خود گرفتار رقابت و درگیری میان امیران مملوکی شد و نتوانست همچنان حضور افتخارآمیز خود را حفظ کند. این روند در سالهای پایانی دولت دوم ممالیک گسترده شد و بیش از پیش خود را نمایاند.

نویسنده معاصر، شبارو، در نوشته خود (دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام) به جنبه‌های مختلف سیاسی و تمدنی دو دولت ممالیک پرداخته است. او پس از بیان ریشه نژادی ممالیک به نقش آنان در جهان اسلام می‌پردازد و سپس از اقدامات آنان در مقابل صلیبیان و مغولان سخن می‌گوید. جنبه‌های مختلف اداری

تمدنی حکومت ممالیک از دید او دور نمانده و بلکه به ساختار نظامی سپاه مملوکی و عوامل شکست آن در برابر سپاهیان عثمانی نیز توجه دارد. با این حال نویسنده گرفتار نوعی دغدغه خاطر است. او می‌کوشد حوادث جهان اسلام را بیان کند ولی نمی‌تواند از عربیت چشم‌پوشد. بدین سبب در جای جای نوشته خود از مشرق‌عربی اسلامی سخن می‌گوید که منظور او سرزمین‌های شرقی خلافت اسلامی به جز ایران است! البته گاه ایران در مقصود او از مشرق اسلامی می‌گنجد. در چنین مواردی سعی بر این بود تا مقصود او درک شود و اصطلاح صحیح آورده شود.

مشکل دیگر کتاب اصطلاحات و برداشتهای نویسنده است. او گاه عبارت و هدفی خاص را دنبال می‌کند در مواردی امکان درک هدف او وجود داشت و مواقعی نیز منظور او به دست نیامد.

از مسائلی که می‌توان به عنوان نقطه ضعف نویسنده یاد کرد، تکرار بسیار تاریخ حوادث و روی‌دادها می‌باشد که گاه در ارائه هدف ایجاد مشکل می‌کند.

با همه این اوصاف، جای نوشته‌ای مستقل درباره دولت ممالیک و نقش سیاسی، نظامی و فرهنگی آنان در دنیای اسلام در میان آثار فارسی و برای محققان ایرانی که پی‌گیر رخدادهای دولت‌های دنیای اسلام می‌باشند، خالی بود که امید می‌رود این ترجمه بتواند آن جای خالی را پر کند.

گفتنی است برای تکمیل بحث، مقاله مبسوطی در باب خلافت عباسیان مصر، نگارش مترجم این اثر، به کتاب افزوده شد که جنبه‌هایی از بحث را شامل می‌شود که نویسنده محترم کمتر به آن پرداخته است.

شهلا بختیاری

خردادماه ۱۳۸۰

مقدمه مؤلف

پس از سقوط دولت ایوبیان در سال ۱۲۵۰/۶۴۸، حاکمیت سیاسی و فرهنگی مصر و شام به شهریاران ممالیک رسید، برخی از این پادشاهان غیرعرب، با حمل پرچم عربی جنگ با صلیبیان را پی گرفتند که عمادالدین زنگی با پس گرفتن زُها در سال ۱۱۴۴/۵۳۹ و صلاح‌الدین ایوبی با پس گرفتن بیت‌المقدس در سال ۱۱۸۷/۵۸۳ آن را آغاز کرده بودند. سه تن از پادشاهان ممالیک در مراحل پایانی جنگ صلیبی را فرماندهی کنند؛ ظاهر بیبرس در سال ۱۲۶۸/۶۶۶ امیرنشین انطاکیه را پس گرفت و منصور قلاوون در سال ۱۲۸۹/۶۸۸ کُنت نشین طرابلس را آزاد کرد و اشرف خلیل زمینه آزادی عکا و بیروت را فراهم کرد. سرانجام در سال ۱۲۹۱/۶۹۰ صلیبیان از تمامی سرزمین‌های اسلامی بیرون رانده شدند.

این سه تن همچنین سهمگین‌ترین ضربات را بر مغولانی وارد کردند که بغداد را در سال ۱۲۵۸/۶۵۶ و سرزمین شام را در ۱۲۵۹/۶۵۷ تصرف و ویران کرده بودند. نخستین ضربه را مظفر قُطرز در سال ۱۲۶۰/۶۵۸ در عین‌جالوت بر مغول وارد ساخت با این وجود مغولان تا زمان حمله‌ی غازان به شام، در سال ۱۳۰۳/۷۰۳ عقب نشینی نکردند. از آنجا که سخن درباره‌ی نقش سیاسی فرمانروایان ممالیک است، آن را در ۶ فصل آورده‌ایم:

فصل یکم، نقش ممالیک در بیرون راندن صلیبیان (۶۴۸-۱۲۵۰/۶۹۰-۱۲۹۱).
فصل دوم حمله مغول و سقوط سه شهر عربی بغداد، حلب و دمشق (۶۵۴-۱۲۵۶/۶۵۸-۱۲۶۰).

فصل سوم، پیروزی بر افسانه مغول (۶۵۸-۱۲۶۰/۷۰۳-۱۳۰۳).

فصل چهارم، خیال خطر صلیبی (۷۰۳-۷۸۴/۱۳۰۳-۱۳۸۲).

فصل پنجم، به وجود آمدن دولت دوم ممالیک و روبرو شدن با خطر تیمور لنگ (۷۸۴-۱۳۸۲/۸۰۸-۱۴۰۵).

فصل ششم، ممالیک و آزادی قبرس و جنگ رودس (۸۲۷-۸۴۷ / ۱۴۲۴-۱۴۴۴). همچنین بر فصلهای پیشین فصل هفتم نیز افزوده شد که در آن به نقش سیاسی سلطان محمد دوم فاتح قسطنطنیه در سال ۲۹/۸۵۷ ژوئن ۱۴۵۳ پرداخته شده است. او نخستین حاکم عثمانی است که سلطان لقب گرفت و فصل هشتم به دو مرحله جنگ عثمانی-مملوکی (۸۹۱-۹۲۳ / ۱۴۸۶-۱۵۱۷) اختصاص یافت که با سقوط دولت دوم ممالیک در ۹۲۳ / ۱۵۱۷ منجر به پایان یافتن نقش جهادی پادشاهان غیرعرب شد. و سرانجام ضرورت بحث از برخی جلوه‌های تمدنی زمان ممالیک سبب شد تا فصل نهم بدین منظور اختصاص یابد و به نقش تمدنی ۲۶۷ ساله حاملان آن بپردازد. برای سهولت کار خواننده این کتاب هشت پیوست دارد که شامل تعدادی از نامه‌ها، نوشته‌ها و معاهداتی است که در آن برهه بسته شده‌اند. سه ضمیمه نیز شامل نام‌های پادشاهان ممالیک و پادشاهان خوارزم و خان‌های مغول می‌باشد و علاوه بر آن فهرست منابع و مآخذ، اعلام، جای‌ها، جنگ‌ها و نقشه‌ها نیز اضافه شده است. امیدوارم که در کوشش خود موفق بوده باشم.

بیروت، عین المرسیه

کانون دوم ۱۹۹۵

عصام محمد شبارو

فصل یکم:

دولت نخست مماليك و بیرون راندن صلیبیان

(۶۴۸-۶۹۰ / ۱۲۵۰-۱۲۹۱)

با کشته شدن تورانشاه در سال ۶۴۸ / ۱۲۵۰ به دست مملوکان، دولت ایوبیان عملاً در مصر پایان یافت و نخستین دولت مماليك (۶۴۸-۷۸۴ / ۱۲۵۰-۱۳۸۲) تأسیس شد که توانست مصر و شام را مانند زمان صلاح‌الدین ایوبی وحدت بخشد و کاری را که او در بیرون راندن صلیبیان از مشرق عربی اسلامی آغاز کرده بود، در سال ۶۹۰ / ۱۲۹۱ به پایان برساند.

۱- نژاد مماليك:

نژاد مماليك به بردگان سفید آسیایی ترک و چرکس باز می‌گردد که موطن اصلی آنان سرزمین قبیچاق و اطراف رود ولگا در شمال دریای سیاه و قفقاز بود، محلی که قبایل مختلف ترک، چرکس، روس، مجار و آلان در آن می‌زیستند. تاجران برده آنان را از راه اسارت در جنگ‌ها یا ربودن از خانواده‌هایشان، بدست می‌آوردند. گاه خانواده‌ها به دلیل فقر و گرسنگی به ناچار فرزندان خود را در مقابل پول یا غذا می‌فروختند.

پادشاهان دولت ایوبی و دولت نخست مماليك برای تقویت نیروی نظامی، بردگان ترک و چرکس بسیاری را پس از تربیت آنان بر دین اسلام و آموزش جنگاوری و فرمانبرداری، وارد سپاه کردند به طوری که بردگان تنها نیروی نظامی دو دولت مماليك در مصر و شام شدند.

صالح ایوب (۶۳۸-۶۴۷ / ۱۲۴۰-۱۲۴۹) نقش زیادی در خرید بردگان ترک داشت، به طوری که بردگان بخش بزرگی از سپاه او را تشکیل می‌دادند. این امر در توازن کردی-ترکی سپاه خلل ایجاد کرد و پس از زمانی که کردها اساس نیروی جنگی دولت ایوبی را

تشکیل می‌دادند، بردگان ترک برتری یافتند. مردم قاهره از مزاحمت‌ها و تعدی‌های ممالیک تازه اظهار ناراحتی می‌کردند، از این رو، صالح در جزیره روضه قلعه‌ای بنا کرد و آنان را در آن اسکان داد و آنجا را مقر خود قرار داد. این ممالیک به سبب انتساب به او به نام «صالحی» شناخته شدند؛ زیرا پرورش و تربیت آنان بر ولاء و وفاداری به او بود. به آنان ممالیک «بحری» نیز گفته می‌شد. گفته شده است این نامگذاری به سکونت آنان در جزیره روضه که دریای (رود) نیل آن را احاطه کرده بود، مربوط می‌شود.^۱ بهتر است دلیل این نامگذاری را عبور آنان از دریا بدانیم که تاجران برده قفقاز و آسیای صغیر آنان از دریاها، سیاه، سرخ و مدیترانه عبور داده و به اسکندریه یا دمياط^۲ می‌رسانند.^۳ پیش از صالح ایوب واژه «بحری» به مسلمانان و مسیحیان اطلاق می‌شد.^۴ ممالیک بحری توانستند نخستین دولت ممالیک را تأسیس کنند (۶۴۸-۷۸۴ / ۱۲۵۰-۱۳۸۲).

طولی نکشید که حاکمان دولت نخست ممالیک، به بردگانی که از سرزمین قبچاق آورده می‌شدند، متکی شدند. سلطان ظاهر بیبرس (۶۵۸-۶۷۶ / ۱۲۶۰-۱۲۷۷) برای آوردن برده؛ به ویژه بردگان ترک قبچاق، هر سال دو کشتی می‌فرستاد.

در زمان سلطان منصور قلاوون (۶۷۸-۶۸۹ / ۱۲۷۹-۱۲۹۰) وارد کردن بردگان چرخس افزایش یافت و در اواخر حکومت وی، تعداد آنان به حدود سه هزار و هفتصد نفر رسید. قلاوون این بردگان را در برج‌های قلعه ساکن کرد، و از این رو است که به «ممالیک برجی» شهرت یافتند. آنان پس از زمانی نیروی رقیب ممالیک ترک گشتند و با تأسیس دولت دوم ممالیک (۷۸۴-۹۲۳ / ۱۳۸۲-۱۵۱۷) جای آنان را در سلطنت گرفتند.

بدین ترتیب دولت ممالیک ابتدا ترک‌ها و سپس چرخس‌ها به وجود آمد و حدود دویست و هفتاد و پنج سال (۶۴۸-۹۲۳ / ۱۲۵۰-۱۵۱۷) دوام یافت که سرانجام عثمانی‌ها در سال ۱۵۱۷/۹۲۳ آن را ساقط کردند.

۱. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۶، ص ۳۳۰، ۳۲۰، ۳۳۱؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک،

ج ۱، ص ۳۳۹

۲. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۶، ص ۳۳۰، ۳۲۰، ۳۳۱؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک،

ج ۱، ص ۳۳۹

۳. قلقشنندی، صبح الاعشی، ج ۴، ص ۴۶۹

۴. ابوشامه، الذیل علی الروضتین، صص ۱۰، ۱۱، ۵۲ و ۱۵۱

۲- شجر الدر (۱۰ صفر - ربیع الثانی ۶۴۸ / مه - ژوئن ۱۲۵۰):

«مقریزی» شجرالدر را نخستین پادشاه دولت اول ممالیک مصر می‌داند.^۱ در حالی که «ابن ایاس» او را در شمار آخرین پادشاه دولت ایوبی آورده است.^۲ در حقیقت شجرالدر همسر ملک صالح ایوب پدر توران شاه بود و مادر خلیل پسر صالح که در زمان پدر مرد.^۳ گروهی از مورخان او را از ممالیک بحری دانسته‌اند که در سوء قصد بر ضد توران شاه با آنان همکاری کرد. شجرالدر ارمنی الأصل بود و با اینکه به طور کامل مملوک نبود، اما بهتر آن است که او را از جهت نژاد، به ممالیک نزدیک‌تر بدانیم.^۴ ممالیک بحری صالحی دستورات او را اطاعت می‌کردند؛ زیرا او از حرم صالح ایوبی بود که آنان را خریداری کرد و در قلعه روضه اسکان داد.

آنان شجرالدر را به سلطنت برگزیدند تا هم راه را بر امیران ایوبی هواخواه سلطنت ببندند و هم معلوم نشود ممالیک، دولت ایوبی مصر را شکست داده‌اند. با شجرالدر در ۱۰ صفر ۶۴۸ / مه ۱۲۵۰ بیعت شد و او با اقتدار، شهامت و احترام فراوان، امور را در دست گرفت.^۵ او در دنیای اسلام دومین زنی بود که به حکومت رسید^۶ و نخستین زنی بود که در مصر پس از فتوحات اسلامی، بر حکومت تسلط یافت. او به «المستعصمیه الصالحیه» ملکه مسلمانان، و مادر امیرالمؤمنین خلیل معروف بود.^۷

نخستین کار وی، پس از به دست گرفتن قدرت، پایان دادن به مذاکرات صلح با صلیبیان بود که پیش از کشته شدن توران شاه آغاز شده بود و پس از آن بر بیرون راندن قوای صلیبی در جنگ هفتم نظارت کرد که لوئی نهم آن را فرماندهی می‌کرد. او سپس

۱. ر.ک: ضمیمه شماره ۱۲ که در آن نام همه پادشاهان دولت نخستین ممالیک آمده است.

۲. ابن ایاس، بدایع الزهور، ج ۱، ص ۸۹

۳. ابو شامه، الذیل علی الروضتین، ص ۱۹۶

۴. برای اطلاع بیشتر درباره شجرالدر و اوضاع زمان وی ر.ک: بحریه اوچوک، «زنان فرمانروا در دولتهای اسلامی»، ترجمه محمد تقی امامی، تهران، انتشارات کورش، ۱۳۷۴، صص ۱۷۳-۱۳۳ «مترجم».

۵. ابن ایاس، بدایع الزهور، ج ۱، ص ۸۹

۶. رضیه‌الدین، سلطان دهلی هند، نخستین زن در دنیای اسلام است که به حکومت رسید. حکومت او چهار سال (۶۳۴ - ۶۳۸/۱۲۳۶ - ۱۲۴۰) دوام یافت. وی همزمان با شجرالدر بود. او دختر سلطان تمش مؤسس دولت پادشاهان مملوک دهلی بود که پس از مرگ پدر به حکومت رسید. چگونگی به حکومت رسیدن او، با حکومت یافتن شجرالدر شباهت‌هایی داشت و حکومت هر دو با کشته شدن پایان یافت. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۳۶۸

۷. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۳۶۲، ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۶، ص ۳۷۴

۲۰ دولت ممالیک

خود را به ممالیک بحری نزدیک کرد. با این همه، مصریان وجود یک زن را در رأس حکومت را نپذیرفتند.^۱ امیران ایوبی شام نیز متعرض او شدند و مستعصم، خلیفه عباسی، حکومت او را به رسمیت نشناخت.^۲ طبیعی بود که حکومت شجرالدرد مدت زیادی دوام نیابد؛ زیرا در جامعه عربی اسلامی، مسلمانان عادت نداشتند که زنی متولی کارهایشان باشد. بدین دلیل که؛ «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ».

ممالیک بحری شجرالدرد را به ازدواج با امیر آیبک ترکمانی و کناره‌گیری از سلطنت به نفع او تشویق کردند.^۳ او این کار را در سال ۶۴۸ / ژوئن ۱۲۵۰ انجام داد. به این ترتیب سلطنت هشتاد روز شجرالدرد را می‌توان به منزله دوران انتقال قدرت به حساب آورد که زمینه را برای تأسیس دولت نخست ممالیک آماده کرد؛ دولتی که یکصد و سی و دو سال دوام یافت (۶۴۸-۷۸۴ / ۱۲۵۰-۱۳۸۲).

۳- معز آیبک (۶۴۸-۶۵۵ / ۱۲۵۰-۱۲۵۷):

عزالدین آیبک ترکمانی نخستین سلطان دولت نخست ممالیک مصر است. سلطنت او با سه خطر روبرو بود: ۱- خطر خارجی از سوی ایوبیان سرزمین شام بود. ۲- خطر وجود ممالیک بحری به رهبری فارس‌الدین اکتای و شورش قومی در داخل کشور که آیبک توانست بر این دو خطر چیره شود. ۳- عامل این خطر همسر خودش شجرالدرد بود که معز آیبک را شکست داد و به حیله او را کشت.

جنگهای عزالدین آیبک ترکمانی:

الف) درگیری با امیران ایوبی شام:

امیران ایوبی شام، به رهبری ناصرالدین یوسف، حاکم حلب و نوه صلاح‌الدین ایوبی قیام کردند. ناصرالدین یوسف پس از تصرف دمشق آماده پیشروی به سوی مصر شد تا دولت ایوبی را احیا کند؛ اما آیبک به سرعت دست به کار شد و اشرف موسی، پسرشش ساله یوسف بن مسعود بن کامل ایوبی، را برگزید تا شریک او در سلطنت باشد و به نام او

۱. سیوطی، حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة، ص ۳۴

۲. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۶۸

۳. ابن واصل، مفرج الکرוב، ج ۲، ص ۳۷۶

دولت نخست ممالیک و بیرون راندن صلیبیان ۲۱

خطبه خواند.^۱ اما امیران ایوبی این حيله را دریافتند.^۲ از این رو، آیبک اعلام کرد که مصر تحت سلطه خلافت عباسی است و او به نیابت از مستعصم، خلیفه عباسی حکومت می‌کند.^۳ با این همه، ناصر یوسف مهیای حمله به مصر شد.

او کوشید تا پیمانی میان ایوبیان و صلیبیان بر ضد ممالیک منعقد کند؛ بدین منظور به «لوئی نهم» که مقیم عکا بود، پیشنهاد داد در مقابل کمک نظامی، بیت المقدس را که در دست ایوبیان بود، به او واگذار کند، اما لوئی نهم نپذیرفت و بی طرف ماند تا اینکه آیبک او را به قتل اسیران صلیبی تهدید کرد.

شایان گفتن است که آیبک کوشید با پیشنهاد پرداخت نیمی از فدیة اسرا به لوئی، از او دلجویی کند و با دادن وعده و اگذاری بیت المقدس به وی، پس از دست یافتن بر آنجا، به هدف خود برسد و موافقت او را جلب کند.

پس از پیروزی آیبک در بر ایوبیان هم پیمان در عباسه^۴ به رهبری ناصر یوسف، در سال ۳/۶۴۹ فوریه ۱۲۵۱ لوئی نهم جانب آیبک را گرفت و ایوبیان به شام بازگشتند.^۵ همزمان اتحاد صلیبی - مملوکی با هدف حمله مشترک برای بیرون راندن ایوبیان منعقد شد که یافا^۶ تحت تسلط لوئی نهم و غزه^۷ در دست آیبک باشد و دو سپاه پس از پیوستن به هم، به شام یورش بردند. ناصر یوسف در مقابل پیمان آنان شجاعت و دلاوری از خود نشان داد، که لوئی نهم بدون مقاومت از ورود به یافا دست برداشت. یوسف در ورود به

۱. مقریزی، الخطط، ج ۲، ص ۲۳۷؛ ابن آیاس، بدایع الزهور، ج ۱، ص ۹۰

۲. ابن تغری بردی، النجوم الزاهره، ج ۷، ص ۶؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۳۶۹

۳. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۳۷۰

۴. شهری کوچک بر سر راه مصر به شام است. دارای نخل‌های بلند و به نام عباسه، دختر احمد بن طولون، نامیده می‌شود. فاصله آن تا قاهره پنجاه فرسخ است. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۸۵ «مترجم».

۵. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱ صص ۳۷۳ - ۳۷۳؛ ابن واصل، مفرج الکروب، ج ۲، ص ۳۸۲ و ۳۸۳؛

ابن تغری بردی، النجوم الزاهره، ج ۷، ص ۸

۶. شهری است بر ساحل دریای شام، از ولایات فلسطین، میان قیساریه و عکا که در اقلیم سوم قرار دارد. طول آن ۵۶ درجه و عرض آن ۳۳ درجه است. صلاح الدین ایوبی در سال ۵۸۳ آنجا را فتح کرد و سپس فرنگی‌های صلیبی بر آن مستولی شدند تا اینکه در سال ۵۹۳ عادل ابوبکر بن ایوب آن را بازپس گرفت. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۲۶ «مترجم».

۷. شهری است دور از شام، در ناحیه مصر، طول آن از غرب ۵۴ درجه و ۵۰ دقیقه و عرض آن ۳۲ درجه. میان آن و عسقلان فرسخ‌ها فاصله است. یاقوت حموی، همان، ج ۴، ص ۲۲۹ «مترجم».

غزه نیز بر ممالیک پیشی گرفت و به این ترتیب مانع به هم پیوستن سپاهیان صلیبی و مملوکی شد.

با تلاش مستعصم، خلیفه عباسی، جنگ حتمی میان مملوکان مستقر در صالحیه و ایوبیان مستقر در غزه در سال ۶۵۱/آوریل ۱۲۵۳ منتهی به صلح شد؛ زیرا خلیفه می‌کوشید میان نیروهای اسلامی برای مقابله با خطر مغول که مشرق جهان اسلام را تهدید می‌کرد، وحدت ایجاد کند. توافق بر این شد که مصر و جنوب فلسطین به همراه غزه و بیت المقدس در دست ممالیک باشد و امیران ایوبی در شام بمانند.^۱ به این ترتیب، هنگامی که لوئی نهم در تسلط بر بیت المقدس شکست خورد، سلطان آیبک نیز از جانب ایوبیان شام آسوده خاطر شد و در سال ۶۵۲/۱۲۵۴ به سرزمین خود بازگشت.

ب) شورش عرب‌ها بر ضد ممالیک (۱۲۵۳/۶۵۱)

در حقیقت عرب‌ها، که از هنگام توسعه فتوحات اسلامی اساس قومیت مصر به حساب می‌آمدند، از حکومت ممالیک راضی نبودند؛ زیرا ممالیک با استبداد، ظلم، انتشار فساد و افزایش مالیات بر مصر فرمان می‌راندند.^۲ پس گروهی از عرب‌ها؛ به ویژه در «صعید» و «شرقیه» دست به تحرکاتی زدند و «شریف حصن‌الدین بن ثعلب» که حکومت مصر را حق عرب می‌دانست نه ممالیک برده دست به شورش زد.^۳ او توانست یک دولت عربی اسلامی مستقلی در «مصر وسطی» و «بلبیس»^۴ به وجود آورد. آیبک برای مقابله با او، سپاهی به فرماندهی اگتای همراه با پنج هزار جنگجو فرستاد. اما عرب‌ها با وجود برتری نفرات در سال ۶۵۱/۱۲۵۳ شکست خوردند و حصن‌الدین حاکم مصر وسطی ماند تا اینکه ظاهر بیبرس پس از رسیدن به سلطنت او را دستگیرکرد. با این همه، در طول حکومت ممالیک، انقلاب‌های عربی فرو ننشست و ممالیک از زشت‌ترین شیوه‌ها و

۱. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ج ۱، صص ۳۸۵ و ۳۸۶؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۷، ص ۱۰

۲. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ج ۱، ص ۳۸؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۷، ص ۹
۳. قلقشندی، صبح الأعشى، ج ۴، ص ۶۸؛ مقریزی، البيان و الاعراب فیمن دخل مصر من الاعراب، ص ۲۴ و ۵۲.

۴. شهری است میان آن و فسطاط مصر ده فرسخ راه تا شام است و عمرو بن عاص آن را در سال ۱۸ یا ۱۹ فتح کرد. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۷۹ «مترجم».

دولت نخست ممالیک و بیرون راندن صلیبیان ۲۳

ابزارها برای سرکوب آنان استفاده کردند. این امر منجر به ترک وطن بسیاری از کشاورزان عرب به قصد شهرهای بزرگ شد که به «حرافی» یا فرومایگان تبدیل شدند.^۱

ج) پیروزی بر اگتای رهبر ممالیک بحری:

آیبک از آغاز حکومت، حدود خطر ممالیک بحری را دریافت، چراکه منزلت رهبر آنها «فارس‌الدین اگتای» پس از سرکوب کردن شورش اعراب در بلبیس، افزایش یافته بود. به این دلیل آیبک فرقه ممالیک «معزی» را به وجود آورد که به لقب او «معز» منسوب بودند و غلام خود «قطز» را به نیابت خود تعیین کرد. پس از آن، به سرعت کوشید تا پیش از دست یافتن اگتای بر سلطنت، خود را از دست او رها سازد، پس به آهستگی او را به قلعه قاهره کشید که در آنجا ممالیک معزی، به رهبری قطز به او هجوم بردند و سرش را از تن جدا کردند و از بالای قلعه به پایین انداختند. ممالیک بحری که به رهبری بیبرس و قلاوون برای کمک به او شتافتند، با دیدن سر اگتای در بیرون قلعه^۲ ترسیدند و به شام گریختند. در آنجا گروهی از آنان به خدمت ناصر یوسف حاکم حلب و دمشق و گروهی دیگر نیز به خدمت علاء‌الدین کیقباد سلطان سلجوقیان روم در آسیای صغیر درآمدند.^۳ به این دلیل در سال ۱۲۵۶/۶۵۴ آیبک به سرعت پیمان صلح را با ناصر یوسف تجدید کرد و او ممالیک بحری را طرد کرد، آنان نیز به «مغیث» حاکم کرک پناه بردند.^۴

د) کشته شدن آیبک و شجرالدین (۱۲۵۷/۶۵۵)

شجرالدین به ممالیک بحری، ممالیک شوهر اولش صالح ایوب نزدیک بود؛ اما مسائلی که دامنگیر ممالیک بحری شد، او را ترساند و چیزی که در ایام توران شاه از آن می‌ترسید به دست آیبک، شوهر دومش اتفاق افتاد که به طمع سلطنت با او ازدواج کرده بود. شجرالدین وقتی آگاهی یافت شوهرش می‌خواهد با دختر بدرالدین لؤلؤ، حاکم موصل ازدواج کند، میان آن دو به هم خورد. شاید آیبک می‌خواست برای آگاهی یافتن

۱. ابن الخطیب، نفاضة الجراب في علالة الاغتراب، ص ۲۰

۲. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۳۹۰، ابن آیاس، بدایع الزهور، ج ۱ ص ۹۰

۳. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۳۹۳

۴. همان منبع، ص ۳۹۶ تا ۳۹۸

از تحرکات مغول به حاکم موصل نزدیک شود، اما در هر صورت شجرالدردر در کمین او نشست. با اینکه آیبک از او دوری گزید و در «مناظر لوق» بیرون قلعه ساکن شد، ولی خیلی زود در دام همسرش افتاد. همسرش در نامه‌ای با مهربانی از او خواسته بود که در قصر سلطانی در قلعه نزد وی حاضر شود اما پنج نفر از غلامان که در قصر کمین کرده بودند، آیبک را در ربیع الأول ۶۵۵ / آوریل ۱۲۵۷ در حمام کشتند.^۱ پس از کشته شدن آیبک با «نورالدین» پسر پانزده ساله او بیعت شد.^۲ شجرالدردر نیز دستگیر و به زنان خانه آیبک واگذار گردید و آنان با زدن دمپایی‌های چوبی به سرش او را کشتند و پیکرش را از باروی قلعه به پایین انداخته، به سگهای خندق واگذاشتند.^۳

۴- مظفر قطز (۶۵۵-۶۵۸/۱۲۵۷-۱۲۶۰)

منصور نورالدین سه سال حکومت کرد. اما حکومت در عمل به دست سیف الدین قطز نایب السلطنه نورالدین بود. قطز در سال ۱۲۵۹/۶۵۷ سلطنت را خود در دست گرفت و در ۱۲۶۰/۶۵۸ در عین جالوت با مغول روبرو شد.

حاکمیت قطز با مرگ آیبک در ۱۲۵۷/۶۵۵ آغاز شد که او امکان یافت بر منصور نورالدین اعمال نفوذ کند. قطز در سپاه خود به ممالیک معزی اعتماد داشت در حالی که دیگر فرقه‌های مملوکی به نواحی شام گریخته و مغیث عمر حاکم کرک را برای یورش به مصر ترغیب می‌کردند. مغیث عمر و همپیمانان مملوکی او، دوبار در رسیدن به اهداف خود با شکست مواجه شدند؛ یکبار در سال ۱۲۵۷/۶۵۵ که امیر قطز در صالحیه راه او را بست و بار دیگر در سال ۱۲۵۸/۶۵۶.

در تاریخ مشرق عربی اسلامی مایه تأسف آن است که با وجود خطر مغول که مدت زیادی از پیروزی آنان بر خلافت عباسی در بغداد (در صفر ۶۵۶/فوریه ۱۲۵۸) نمی‌گذشت، درگیری میان امیران ایوبی و ممالیک - همگی یا به تنهایی - متوقف نشد و امیران بزرگ ایوبی به جای وحدت کلمه با ممالیک، پیش از رسیدن سپاهیان مغول به مرزهای شام و مصر، به اطاعت مغول درآمدند.

۱. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۶، صص ۳۷۵ و ۳۷۶؛ ابن آیاس، بدایع الزهور ج ۱، صص ۹۱ و ۹۲
 ۲. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۱ ص ۳۷۶
 ۳. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ج ۱، ص ۴۰۴

دولت نخست ممالیک و بیرون راندن صلیبیان ۲۵

امیر قطز این وضعیت را دریافت و سلطان منصور علی را عزل و به همراه برادر و مادرش در برج قلعه زندانی کرد و خود با نام «الملک مظفر قطز» در سال ۶۵۷/۱۲۵۹ سلطنت مصر را در دست گرفت.

هنگامی که در مصر زمینه برای حاکمیت یافتن دولت تازه تأسیس ممالیک فراهم می شد، مغول به رهبری هولاکو به بغداد، مقر خلافت عباسی، حمله کردند و به دنبال آن بر مناطق تحت نفوذ ایوبیان در شام مسلط شدند و به دروازه‌های مصر رسیدند. قطز بازگشت هولاکو و تعداد بسیاری از سپاهیان مغول به ایران را غنیمت شمرد و با بقیه مغولان که کتبوغا آنان را فرماندهی می کرد، در سال ۶۵۸/۱۲۶۰ در عین جالوت روبرو شد. قطز با وارد کردن نخستین ضربه مهلک بر مغول، راه پیروزی ممالیک بر مغولان و صلیبیان را باز کرد و وحدت مصر و شام نیز به دست آنان تحقق یافت.

پس از پیروزی قطز در عین جالوت، اختلافات میان او و ممالیک معزی با ممالیک بحری صالحی تجدید شد به ویژه بیبرس که به دنبال فرصت برای گرفتن انتقام کشته شدن اگتای بود؛ چرا که قطز در کشته شدن اگتای شرکت داشت و بیبرس شاهد افکنده شدن سر اگتای از باروی قلعه به پایین بود و آوارگی خود و دیگر مملوکان را در شام فراموش نکرده بود. خودداری سلطان قطز از اعطای نیابت حلب به او، دلیل آشکار و عاملی مؤثری بود که بیبرس به قتل قطز در ۱۵ ذی القعدة ۶۵۸/ اکتبر ۱۲۶۰ در صالحیه اقدام کند.^۱

به این ترتیب، قطز از پیروزی بهره‌ای نگرفت و با عنوان پیروز وارد قاهره نشد. اهمیت او تنها به انتقامی است که از مغولان گرفت؛ مغولانی که در سال ۶۲۹/۱۲۳۱ بر خوارزمشاهیان پیروز شده و امیران آن را فراری داده بودند. گفته شده که نام حقیقی قطز «محمود بن مودود» بود و او خواهرزاده جلال‌الدین خوارزمشاه آخرین سلطان خوارزم است که اسیر شد و با بردگان در دمشق به فروش رفت و معز آیبک او را خریده، به همراه خود به قاهره برد تا زمینه را برای سلطنت وی فراهم کند.

بر این اساس سلطان قطز نخستین کسی است که پس از حمایت از مصر در مقابل خطر خارجی؛ یعنی مغولان، پایه‌های حکومت نخست ممالیک را بنیاد نهاد. ممالیک

۱. ابن شاکر الکتبی، فوات الوفيات، ج ۲، ص ۱۳۳؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۴۳۵؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۷، ص ۸۶ و ۸۷

پس از موفقیت در دفع خطر مغول از سرزمین شام، با خطر صلیبیان مواجه بودند، زیرا باید ساحل سرزمین شام آزاد ساخته و مصر و شام وحدت می دادند.

۵- ظاهر بیبرس (۶۵۸-۶۷۶/۱۲۶۰-۱۲۷۷)

ظاهر بیبرس مؤسس حقیقی دولت نخست ممالیک به حساب می آید که سلطنت را در ۱۹ ذی قعدة ۶۵۸/۲۶ اکتبر ۱۲۶۰ به دست گرفت.^۱ لقب او ظاهر و همچنین «بندقداری» است که به صاحبش «علاءالدین بندقدار» منسوب است. نخستین اقدام او بازگرداندن ممالیک آواره در خارج به مصر بود.^۲

بیبرس خلافت عباسیان را در سال ۱۲۶۱/۶۵۹ در قاهره احیاء کرد^۳ و امکان وحدت مصر و شام را فراهم ساخت. او پس از آن، ضربه مهلکی بر صلیبیان وارد آورد که به این وسیله زمینه خروج همه آنان از مشرق عربی اسلامی را در ۱۴ سال پس از درگذشت خود فراهم کرد.

الف) رهایی از مخالفان حکومت (۶۵۹-۶۶۱/۱۲۶۱-۱۲۶۳)

آغاز حکومت بیبرس با شورش امیر علم الدین سنجر، نایب دمشق، همراه بود که در ذی حجة ۶۵۸/نوامبر ۱۲۶۰ خود را سلطان دمشق نامید و لقب «الملک المجاهد» را برگزید. بیبرس آقای خود علاءالدین بندقدار را با نیرویی به مقابله او فرستاد. امیر علم الدین سنجر شکست خورد و بازداشت شد. او را در روز ۱۶ صفر ۶۵۹/ژانویه ۱۲۶۱ به قاهره آوردند.^۴

«مغیث عمر عادل بن کامل» حاکم کرک، می کوشید تا دولت ایوبی را تحت رهبری خود احیا کند، بیبرس نیز از بلند پروازی مغیث آگاهی کامل داشت؛ به ویژه که ممالیک بحری و از جمله بیبرس به هنگام فرار از مقابل آیبک و سپس قطز به او پناه برده بودند، به این جهت در جمادی الاولی ۶۶۱/مارس ۱۲۶۳ بیبرس، مغیث را به آرامی به لشکرگاه

۱. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۴۳۷

۲. ابن یاس، بدایع الزهور، ج ۱، صص ۹۹ و ۱۰۰

۳. درباره خلافت عباسیان در مصر ر.ک: خلافت عباسیان در مصر، شهلا بختیاری، مجله «مقالات و بررسیها»، دفتر ۶۶ زمستان ۱۳۷۸، سال ۳۲، صص ۲۴۴-۲۰۵

۴. ابوالفداء، المختصر فی اخبار البشر، ج ۳، ص ۲۱۰؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، صص ۴۳۸ و ۴۳۹

دولت نخست ممالیک و بیرون راندن صلیبیان ۲۷

خود در «بیسان» کشید و دستور دستگیری او را داد. بیبرس برای رها شدن از یکی از وارثان مشروع تخت ایوبی، به گونه‌ای عمل کرد که مردمان برضد او تحریک نشوند. او به مغیث عمر تهمت زد که با مغول ارتباط داشته و از آنان برای بازگرداندن دولت ایوبی در مصر و شام درخواست کمک کرده است^۱ و در جمادی الثانی ۶۶۱ / آوریل ۱۲۶۳ دستور قتل او را صادر کرد.^۲ به این ترتیب بیبرس بر کرک تسلط یافت و از جانب خود برای آنجا والی تعیین کرد.

(ب) تقویت نیروی دریایی (۶۵۸-۶۶۳/۱۲۶۰-۱۲۶۵)

بیبرس در پنج سال نخست حکومت خود، به کارهایی پرداخت که پایه‌های دولت او را در مصر و شام محکم کند. این کارها پیش از رویاروشدن با دو خطری بود که مشرق اسلامی را تهدید می‌کرد؛ خطر صلیبیان و خطر مغولان.

بیبرس در رویارویی با صلیبیان، تفاوت شیوه نظامی آنان با شیوه مغولان را دریافت. مغول در دشت عین جالوت با ممالیک جنگیده بودند، در حالی که صلیبیان درون قلعه‌ها و حصن‌های سر به فلک کشیده سنگر گرفته بودند و لازم بود ممالیک برای رسیدن به این حصن‌ها و قلعه‌ها، آنها را با لوازم محاصره خراب کنند و پس از آن به باروی شهرها برسند و وارد آن شوند.

بیبرس، پس از تأسیس خلافت عباسی در قاهره و اطاعت تمامی سرکشان ایوبی و مملوکی از وی، به استوار ساختن دولت خود و امن ساختن مرزهای آن در مقابل هر جنگ احتمالی خارجی اقدام کرد. او به این منظور به بازسازی بنای قلعه‌های مصر و شام همت گماشت^۳ و برای مراقبت از تحرکات دشمن و کمک به سرعت انتقال اخبار، چندین برج دیده‌بانی ایجاد کرد و مرزهای دولت را با قاهره مرتبط ساخت.^۴ او دستور داد تا در مصب نیل نزدیک دمیاط از صخره‌های بزرگ سدی بسازند تا مانع عبور صلیبیان شود و آنان به فکر ارسال نیروی جنگی تازه‌ای به مصر نیفتند و برای برید قانون

۱. ابن ابی الفضائل، النهج السدید، ص ۵۵۰؛ ابن واصل، مفرج الکروب، ج ۲، ص ۴۱۴؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، صص ۴۸۲، ۴۹۱ و ۴۹۲
۲. ابو الفداء، المختصر فی اخبار البشر، ج ۳، ص ۲۲۶
۳. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۵۲۵؛ ابن آیاس، بدایع الزهور، ج ۱، ص ۱۱۱
۴. مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۱۷۷؛ العمری، التعریب بالمصطلح الشریف، ص ۲۰۰ و ۲۰۱؛ قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۱۴، ص ۳۹۹

ویژه‌ای وضع کرد که از راه زمینی با اسب و یا از راه هوایی با کمک کبوتران نامه‌بر^۱ قلعه قاهره را با سایر نواحی حکومت مرتبط می‌کرد، به حدی که بردن و آوردن مرسولات از دمشق به قاهره بیش از سه روز طول نمی‌کشید.

بیرس برای تقویت نیروی نظامی، کوشید تا سپاهی از ممالیک به وجود آورد؛ از این رو، آوردن برده رونق یافت. او در سال ۱۲۶۲/۶۶۰ با «میخائیل هشتم»، امپراتور بیزانس، پیمانی بست،^۲ همچنین با «برکه خان» حاکم مغولی قبیچاق^۳ و «عزالدین کیکاوس» سلطان سلجوقی روم در آسیای صغیر هم‌پیمان شد.^۴ سپس اقداماتی را برای آوردن بردگان آغاز کرد. او هر سال دو کشتی می‌فرستاد که امپراتور بیزانس امکان عبور آنها را از تنگه بوسفور به دریای سیاه فراهم کرده بود. کشتی‌ها برده‌ها را از قبیچاق می‌گرفتند به اسکندریه و دمیاط در ساحل دریای مدیترانه باز می‌گشتند.^۵

همچنین به دلیل جنگ‌های قبیچاق، گروهی از مغولان آنجا مهاجرت کردند و در سال ۱۲۶۲/۶۶۰ بیرس از دویست نفر سوار مغول قبیچاقی استقبال کرد که به طور گروهی به مصر پناه آورده بودند. پس از آن، در سال ۱۲۶۳/۶۶۱ هزار و سیصد سوار با خانواده‌هایشان به آنان پیوستند. گروهی نیز در سال ۱۲۶۴/۶۶۲ آمدند، این گروه‌ها به «وافدی» یا «تترالمستأمنه = تاتار امان یافته» شناخته شدند.^۶ بیرس آنان را در خانه‌هایی که نزدیک «لوق» ساخته بود، سکنی داد.^۷ اما آنان در سپاه به مراتب بالایی نرسیدند.^۸ به این ترتیب، تعداد نفرات سپاه مملوکی به حدود چهل هزار نفر^۹ و تعداد

۱. قلقشندی، صبح الاعشی، ج ۱۴، صص ۳۸۹ و ۳۹۴

۲. ابن واصل، مفرج الکروب، ج ۲، صص ۴۰۲ و ۴۰۳؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۴۷۱

۳. ابن عبدالظاهر، الروض الزاهر، صص ۱۳۹ و ۱۴۰؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۴۶۵

۴. ابن واصل، مفرج الکروب، ج ۲، صص ۴۰۲ و ۴۰۳؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۴۷۱

۵. ابن عبدالظاهر، الروض الزاهر، صص ۲۰۲ و ۲۰۳

۶. ابن واصل، مفرج الکروب، ج ۲، صص ۴۰۶ و ۴۰۷؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۵۰۰ و ۵۰۱

۷. همان، ج ۱، صص ۵۰۰ و ۵۰۱

۸. همان، صص ۵۱۲ و ۶۱۶

۹. ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۷، ص ۱۹۷

کشتی‌های ناوگان جنگی دریایی به پنجاه کشتی رسید.^۱

ج) جنگ فراگیر علیه صلیبیان (۶۶۳-۶۶۸/۶۶۵-۱۲۶۹)

همکاری صلیبیان با مغول در برابر ممالیک ادامه یافت تا حدی که صلیبی‌ها به تعدادی از جنگجویان مغول اجازه ورود به قلعه‌های نظامی خود را دادند. بیبرس نیز دریافت که پیروزی بر این اتحاد، از طریق جنگ با صلیبیان و سپس مغولان ضروری است. بیبرس پیش از آغاز حمله فراگیر بر ضد صلیبیان، با عقد پیمان‌هایی با پادشاهان اروپا، زمینه را برای تحقق اهداف خود فراهم کرد. بدین منظور، علاوه بر هم‌پیمانی با امپراتور بیزانس میخائیل هشتم در سال ۱۲۶۲/۶۶۰، هیأتی به ریاست «ابن‌واصل» (صاحب کتاب مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب) نزد «مونتفرد هوهنشتاوفن» پادشاه سیسیل و ناپل و هیأتی نیز در ۱۲۶۱/۶۵۹ نزد «آلفونس دهم» پادشاه کاستیل فرستاد. در سال ۱۲۶۵/۶۶۳ جنگ‌های فراگیر با صلیبیان در ساحل شام آغاز شد و بیبرس به دنبال آن، در ۱۵ جمادی الأولى ۱۲۶۵/۶۶۳ پس از شش روز محاصره، وارد «قیساریه»^۲ شد^۳ و در جمادی الثانی همان سال بر «ارسوف»^۴ پیروز شد.

● سقوط قلعه صفد (۱۹ شعبان ۱۲۶۶/۶۶۴)

قلعه صفد از مهم‌ترین قلعه‌های صلیبیان به حساب می‌آید که مرکز سواران داویه بود. بیبرس در ۱۹ شعبان ۱۲۶۶/۶۶۴ بعد از ۱۱ روز محاصره، بر آن مستولی شد و تمامی افراد پادگان سواران داویه را که سواران نیرومندی بودند، کشت تا درس عبرتی برای سایر صلیبیان باشد.

هر چند گفته شده است که بیبرس به پادگان صفد امان داد و آن را شکست، اما نقشه او در رویارویی با صلیبیان منجر به پیروزی شد و قلب آنان را پر از ترس کرد.

۱. مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۴۴۷

۲. شهری است بر ساحل شام میان آن و طبریه سه روز فاصله است و کرسی ملک بن سلجوق از پادشاهان روم بود. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۷۸ «مترجم».

۳. شهری در ساحل دریای شام که از نواحی فلسطین به شمار می‌آید. میان آن و طبریه سه روز راه است. یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۲۱ «مترجم».

۴. شهری است میان قیساریه و یافا، یاقوت، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۵۱ «مترجم».

● سقوط امیر نشین انطاکیه (۴ رمضان ۶۶۶/۱۲۶۸)

شکست‌های صلیبیان از سال ۱۲۶۶/۶۶۴ آغاز شد که بیبرس سپاهی به فرماندهی «امیر جمال‌الدین آیدغدی عزیزی» و سپس سپاهی به فرماندهی «امیر سیف‌الدین قلاوون هزاری» برای هجوم به مواضع صلیبیان فرستاد و آنها بر قلعه‌های حلب، قلیعات و عرقا دست یافتند.^۱ در سال ۶۶۶ / ۱۲۶۸ یافا سقوط کرد و پس از آن بیبرس متوجه شمال شد و بر طرابلس تاخت و از آنجا به حصن الاکراد رفت که در مقابل دست برداشتن از محاصره آنجا، صد هزار دینار به دست آورد.^۲ او در حرکت به سوی انطاکیه از حمص،^۳ حماة^۴ و افامیه^۵ عبور کرد و پس از آن انطاکیه را از طریق زمین و دریا محاصره کرد تا مانع هرگونه امداد رسانی به محاصره‌شدگان شود. او در ۴ رمضان ۶۶۶ / ۱۸ ژوئن ۱۲۶۸ پس از کشتن بیش از چهل هزار نفر وارد انطاکیه شد و غنایم و اسیران زیادی به دست آورد.^۶

بیبرس پس از ۹ روز محاصره قلعه «بغراس»، با امان دادن در ۱۳ رمضان وارد آنجا شد و آنجا را قلعه‌ای برای مسلمانان قرار داد.

● آتش بس با ایزابلا حاکم بیروت (۶ رمضان ۶۶۷/۱۲۶۹)

بیبرس، به هنگام ضرورت، با صلیبیان پیمان صلح و آتش بس منعقد می‌کرد. البته این کار مانع او از شکستن پیمان صلح و آشتی‌ها پیش از پایان مهلت آنها نبود.^۷ مدت این معاهدات همانطور که در منابع آمده است، ده سال، ده ماه، ده روز و ده ساعت بود.

۱. ابو الفدا، المختصر فی تاریخ البشر، ج ۴، ص ۳؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۵۴۵
۲. ذبھی، العبر فی خبر من عبر، ج ۵، ص ۲۸۳؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۵۶۶؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهره، ج ۷، ص ۱۴۲
۳. شهری است مشهور، قدیمی و بزرگ در جانب قبله که قلعه‌ای استوار دارد و میان دمشق و حلب واقع است. طول آن ۶۱ درجه و عرض آن ۳۳ درجه است. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۴۷ «مترجم».
۴. شهری است بزرگ و عظیم با خیرات بسیار که دیواری محکم آن را احاطه کرده است و مشرف است بر رود عاصی، یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۴۴ «مترجم».
۵. شهری استوار است از سواحل شام و ناحیه‌ای از نواحی حمص. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۶۹ «مترجم».
۶. ابن عبدالظاهر، الروض الزاهر، ص ۳۰۷؛ مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۱، ص ۵۶۷ و ۵۶۸؛ ابن تغری بردی، النجوم الزاهره، ج ۷، ص ۱۴۳
۷. ابن ابی فضایل، النهج السدید، ص ۵۳۳ و ۵۳۴